اخبار خوش سیستان‌وبلوچستان؛ از زردشدن رنگ زابل تا افتتاح پروژه‌های عمرانی-کشاورزی

این روزها خبرهای خوشی از سیستان‌وبلوچستان به گوش می‌رسد؛ از ضربه‌فنی‌شدن کرونا در شمال استان و شهر زابل تا افتتاح ده‌ها پروژه آبی و خاکی در سراسر استان.

درخصوص خبر اول یعنی مهار کرونا در شمال استان و به‌ویژه شهر زابل مسوولان گفته‌اند رنگ‌قرمز آن زردشده و دست‌کم طی روز شنبه هیچ مورد فوتی را ثبت نکرده‌اند و دلیلش را واکسیناسیون گسترده و رعایت پروتکل‌های بهداشتی توسط مردم اعلام کرده‌اند؛ البته محل بحث است زیرا آمار به دلیل برخی موارد همچون زندگی طایفه‌ای و مراجعه‌نکردن برخی مردم به مراکز بهداشتی چندان دقیق نیست.

خبردوم یعنی افتتاح پروژه‌های عمرانی اما دلگرم کننده‌تر است، آماری که حکایت از افتتاح ده‌ها پروژه سامانه‌های نوین آبیاری، بازسازی رشته‌های قنات و... دارد و اجرای آنها برای ۲۱۲۰نفر فرصت شغلی دائم و موقت برای مردم ایجاد کرده است./

جام‌جم‌دیلی

تکمیلی

درباره آب چاه‌ژرف چه می‌دانید؟

احتمالا نام چاه‌ژرف و ماجرای آب‌های جاری در عمق آنها به گوشتان خورده و اطلاعاتی دراین‌باره دارید اما اگر به گوشتان نرسیده یا اطلاعات چندانی درباره آن ندارید، ادامه مطلب را بخوانید.

مثل همه کشفیات جهان، یک روز به ذهن یک نفر مثل گلیسون رسیده که در اعماق زمین به جای آتش و مواد مذاب گداخته، آب وجود دارد. این دانشمند تحقیقات زیادی هم برای اثبات این فرضیه خود انجام داد و طبق نتیجه مطالعاتش که سال ۲۰۱۵ منتشر شد، حدود ۱۰۰۰میلیاردمترمکعب آب ژرف در کل کره‌زمین وجود دارد که منشاء آن کوه‌های هندوکش بوده و از افغانستان سرچشمه می‌گیرد و تجدیدپذیر و قابل‌شرب است.

کشف آب در چاه‌های ژرف اما کاملا اتفاقی و سال ۱۹۵۳، هنگام حفاری‌های نفتی در لیبی صورت گرفت و لیبی اولین کشوری بود که به این منبع آب در اعماق زمین رسید. تحقیقات اولیه در همان زمان نشان داد که حفاری نفتی لیبی به یک مخزن بزرگ آب‌سالم و گوارا به میزان ۱۵۰هزار کیلومتر مکعب رسیده است. لیبی این آب حجیم را در مدار بهره‌برداری قرار داد و گفته می‌شود که اگر از این منبع استفاده نمی‌شد دیگر هیچ نقطه‌ای از لیبی قابل سکونت نبود. پس از آن تحقیقات گسترده در سایر کشورهای جهان برای کشف آب ژرف آغاز شد و برخی هم مثل استرالیا و آمریکا و کانادا و حتی عربستان به نتیجه رسیده و هم‌اکنون از این آب استفاده می‌کنند. در ذکر مزایای آب‌ژرف نسبت به مبحث انتقال آب از دریا گفته می‌شود هزینه استخراج آب‌ژرف از تصفیه آب دریا کمتر است و هزینه انتقال آب و پمپاژ هم ندارد. مطالعات شناسایی آب‌های ژرف در ایران هم قدمت زیادی دارد و گویا به قبل از انقلاب بازمی‌گردد و طبق برخی تخمین‌ها ۱/۵تا ۲میلیارد مترمکعب آب‌ژرف تجدیدپذیر در ایران وجود دارد که می‌توان به کشف و بهره‌برداری از آنها امید بست.

البته مثل بسیاری از طرح‌های عمرانی در کشورمان، پروژه حفر چاه ژرف هم از همان ابتدا با اما و اگرها و مخالفت‌های محیط‌زیستی و غیرمحیط زیستی همراه شده، گرچه به اندازه مخالفت با طرح انتقال آب از دریا یا انتقال آب بین حوزه‌ای نبوده و نیست.

به طور مثال پرویز کردوانی، پدر علم کویرشناسی ایران که حدود دو هفته پیش درگذشت، معتقد بود چاه‌های آب ژرف که از عمق ۱۵۰۰متر به بالا را شامل می‌شود، انواع مختلفی دارد و آن نوع که در گسل‌ها قرار گرفته بسیار عالی است و نمونه‌اش در دشت سیستان وجود دارد. به گفته کردوانی، برداشت آب از این چاه‌ها آسیبی به محیط زیست نمی‌زند، زیرا خیلی عمیق است و مثل چاه‌های معمولی نیست که اگر به تعداد زیاد حفر شود، سطح آب‌های زیرزمینی پایین بیاید و زمین نشست کند. با این حال این چاه‌ها فقط می‌تواند مشکل آب دشت سیستان را برطرف کند و بهتر است برای رفع بی‌آبی کل سیستان و بلوچستان چاره دیگری اندیشیده شود.

حمید سرخیل، عضو هیأت علمی دانشکده محیط‌زیست هم معتقد است مشکلات و معضلات محیط‌زیستی بهره‌گیری از آب‌های ژرف به مراتب کمتر از سایر روش‌های جایگزین است.

به گفته سرخیل، این منابع در اعماق زمین در جریان است و به واسطه عمق زیاد و قرارگیری در گسل‌های سخت زمین چندان خسارتی را متوجه سطح زمین نخواهد کرد. ضمن این‌که در مناطقی که ما تأکید بر برداشت منابع آب ژرف داریم، شاهد طبیعت خشکی هستیم که جمعیت کمی نیز در آن زندگی می‌کنند و خسارت زیادی متوجه آنها نخواهد شد.

گفته می‌شود یکی از مخالفت‌های وزارت نیرو درباره حفر چاه ژرف، میراث گذاشتن آن برای آیندگان بوده که کارشناس حوزه ژئوفیزیک محیط‌زیست دراین باره هم می‌گوید واقعیت این است که آب‌های ژرف حالت ایستا ندارند و به سمت خلیج‌فارس و دریای عمان در جریان هستند. در این شرایط برداشت نکردن از این منابع معنایی جز از دست رفتن آن ندارد.

مراحلی از حفاری و رسیدن به آب ژرف در منطقه سیستان

عکس: تسنیم

گفت‌وگو با حبیب‌ا... دهمرده، نماینده مردم سیستان در مجلس درباره بحران بی‌آبی در سیستان و بلوچستان و راه‌های برون رفت از آن

زادگاه رستم دستان آب دارد

فاطمه مرادزاده

ایران

بی‌آبی برای مردم هر نقطه‌ای از کشورمان اگر تلخ، مقطعی و غیرقابل درک باشد که باید سریع برطرف شود برای خطه پهناور سیستان و بلوچستان اما یک درد کهنه است؛ درد کهنه‌ای که خیلی‌ها را مجبور به کوچ از دیار آبا و اجدادی‌شان کرده و بسیاری را هم همدم هوتک‌ها یا چشم به راه تانکرهای آبرسانی. برخی هم اما چشم‌شان به جریان جاری رودخانه فصلی است که از کنار روستا می‌گذرد. آب رود از هوتک‌های مرده و غیرسالم بهتر است اما اگر سطلی در آن رها شود، تکانی به آب می‌دهد و گاهی خواب گاندوها را آشفته می‌کند تا با چشمی نیمه‌باز جستی‌زده و دست دخترک یا پای پسرک بازیگوش کنار رود را به آروارِه گرفته و با خود به زیر آب بکشانند. حکایت بی‌آبی سیستان و بلوچستان، حکایتی غریب است. چه این‌که این استان همیشه این‌گونه خشک و برهوت نبود، نشان به آن نشان که روزگاری پهنه ۳۸۲۰کیلومترمربعی هامونش در سیستان، مثل دریای آبی و بی‌انتها مملو از آب بود و شور زندگی اطراف آن موج می‌زد؛ همان زمان که هیرمند پرآب و خروشان از مرز افغانستان می‌گذشت و خود را در دل تالاب رها می‌کرد. اما از وقتی جریان بازیگوش هیرمند پشت سد بالا و بلند کجکی در ولایت هلمند افغانستان متوقف شد و حقابه‌ای که باید به هامون ایران داده می‌شد، داده نشد و رایزنی و دیپلماسی ضعیف ایرانی هم راه به جایی نبرد، پهنای بزرگ‌ترین دریاچه آب شیرین ایران خشکید و حیات در سرزمین سیستان (نیمروز) در شمال استان به مرز احتضار و نابودی رسید. حالا زادگاه رستم دستان شاهنامه، تنها امیدش به چاه نیمه‌هایی است که از آب باران و سرریز سیلاب‌ها جان می‌گیرد، گرچه تبخیر بالای آب چاه نیمه‌ها در طول سال هم امید بستن به این منابع کوچک آبی را دشوار می‌کند. بخش جنوبی استان یعنی بلوچستان اما از رودخانه‌های فصلی و موقتی و منابع آب زیرزمینی سیراب می‌شود که البته هیچ کدام پایدار و دلگرم کننده نیست. سدهای پیشین و زیردان روی رودخانه‌های فصلی این خطه ساخته شد تا سیلاب‌ها و آب‌های جاری پیش از رسیدن به دریا تشنگی شهرها و روستاها و مزارع بلوچستانی‌ها را برطرف کند اما عدم بهره‌برداری از شبکه انتقال آب در پایین دست عملا ساخت این سدها را بعد از چند دهه بی‌فایده ساخته است. همه اینها یعنی سیستان و بلوچستان که آسمانش در طول سال بارش‌های موسمی و فصلی خوبی دارد، آنچنان هم بی‌آب نیست، نشان به نشان هوتک‌هایی که گله‌به‌گله در جای جای آن سبز شده‌اند اما مشکل این است که عزم و اراده و خاطرِ نگرانی برای رساندن اصولی و پایدار این آب‌ها به جان تشنه مردمانش وجود نداشته و ندارد. غمی چاره‌دار که ما درباره‌اش با حبیب ا... دهمرده، نماینده شهرستان‌های زابل، زهک، هامون و هیرمند و نیمروز که زمانی استاندار سیستان و بلوچستان بوده و راهکارهایی هم برای رفع اصولی تشنگی استان ارائه و کلید اجرای برخی از آنها را هم در زمان مدیریت زده است، به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

شما از زمانی که استاندار سیستان و بلوچستان شدید، دغدغه حل مشکل بی‌آبی استان را داشتید و طرح‌هایی هم برای رفع این مشکل ارائه کردید. برنامه‌هایتان به سرانجام رسید؟

بله، من معتقد بودم و هستم که مشکل آب سیستان و بلوچستان راه‌حل دارد و من هم برای حل آن چندین راهکار داشتم و از همان زمان که مدیریت استان را به عهده گرفتم، یعنی شهریور ۸۴درصدد اجرای این طرح‌ها برآمدم. البته فقط دو راهکار از آنها را در زمانی که استانداری سیستان و بلوچستان را پذیرفتم، توانستم به مرحله اجرا رسانده و عملیات اجرایی آنها را آغاز کنم. اولی طرح انتقال آب از دریای عمان به چابهار سپس سایر نقاط استان بود و دومی طرح راه‌اندازی آب شیرین‌کن در نقاط مختلف استان.

درخصوص طرح آب شیرین‌کن‌ها، واحد کنارک چابهار را راه‌اندازی کردیم که خوشبختانه مشکل آب شرب این شهرستان را حل کرد و هنوز هم دارد جواب می‌دهد.

از سویی معتقد بودم وقتی دریای عمان را داریم و می‌توانیم به کمک فناوری روز و با انتقال آب آن به سیستان به‌راحتی مشکل آب شرب شمال استان را حل کنیم، نباید هنوز مثل زمان رستم بیندیشیم و چشم‌مان به دنبال آب رود هیرمند باشد که از افغانستان می‌آید. اصلا منطقی و عقلانی نیست آب زاهدان و زابل را که نصف جمعیت استان، جمعیت دارند به رودخانه‌ای گره بزنیم که افغان‌ها به کمک دانش روز روی آن بند و سد ساخته و مانع ورودش به ایران شده‌اند.

خب من این طرح‌ها را با جدیت در زمان استانداری سیستان و بلوچستان آغاز کردم و زمانی هم که نماینده مردم سیستان در مجلس شدم، آنها را پیگیری و دنبال کردم.

یکی از طرح‌های شما، موضوع آب ژرف است. درباره این طرح، این‌که ایده‌اش چگونه به ذهن‌تان رسید و سرانجامش چه شد، توضیح می‌دهید.

بحث آب ژرف همین حالا هم در برخی کشورهای دنیا درحال پیگیری است و حتی چند کشور از جمله آمریکا و استرالیا به آن دست یافته و درحال بهره‌برداری از آن هستند.

من بنابر دلایل و احتمالاتی کاملا علمی حدس می‌زدم ممکن است سیستان هم آب ژرف داشته باشد، بنابراین تقریبا همزمان با طرح‌های قبلی این موضوع را هم پیگیری کردم. اما در عمل، زمانی که نماینده مردم سیستان در مجلس شدم؛ یعنی در سال ۹۵ (همزمان با دوره اول ریاست‌جمهوری حسن روحانی) تفاهم‌نامه‌ای با دکتر ستاری، معاون علمی رئیس جمهور برای کشف آب ژرف امضا کردیم با این شرایط که پیگیری بخش‌های بودجه‌ای و موانع سیاسی و امنیتی‌اش با ما باشد و بخش‌های علمی و تحقیقاتی‌اش با آن معاونت. خوشبختانه براساس همان تفاهم‌نامه هم توانستیم برای این طرح ردیف بودجه بگیریم. درواقع ما برای اولین بار در قانون بودجه اسمی به عنوان آب ژرف با ردیف بودجه برای سیستان ایجاد کردیم. پس از عقد قرارداد و تعیین ردیف بودجه هم بلافاصله مطالعات کشف آب ژرف در منطقه سیستان را با کمک دانشمندان و مشاوران داخلی و خارجی و از طریق حفر اولین چاه آغاز کردیم، گرچه با سختگیری و کارشکنی‌های مداوم وزارت نیرو مواجه می‌شدیم که کار را سخت و زمانبرتر می‌کرد.

کارشکنی وزارت نیرو یعنی چه؟ یعنی مخالف اجرای پروژه بودند؟

یک روز می‌آمدند دکل‌ها را جمع می‌کردند، ما دوباره آنها را برپا می‌کردیم و دوباره می‌آمدند جمع می‌کردند. آن‌هم دکل‌هایی که تجهیزاتش ۱۴۰ تریلی بار می‌شود. البته یک بار که آمدند جمع کنند، مقاومت کردیم و آنها هم دیگر جرات نکردند تجهیزات را ببرند. تا همین اواخر دولت دوازدهم هم مخالفت و غرش‌های گاه و بیگاه‌شان بود.

دلیل سختگیری و مانع‌تراشی وزارت نیرو چه بود؟

وزارت نیرو می‌گفت من متولی آب هستم و هر تصمیمی که من بگیرم باید اجرا شود و در این خصوص اجازه اجرای طرح را نمی‌دهم. دلیلی هم برای این مخالفت بیان نمی‌کرد و فقط می‌گفت همین که من می‌گویم. این در حالی بود که من به‌عنوان نماینده مردم توانسته بودم برای طرح ردیف و بودجه ارزی و ریالی بگیرم. به وزیر وقت نیرو گفتم: اگر این طرح خوبی نیست و با اجرای آن مخالفید، خودتان راه‌حلی برای رفع بی‌آبی استان بدهید. به‌هرحال نمی‌شود چشم‌مان مدام به مرز افغانستان باشد که یک روز آب را باز می‌کند و یک روز به روی ما می‌بندد. شما می‌گویید خودتان متولی آب هستید، پس چاره‌اندیشی دراین‌باره هم از وظایف شماست. اما ایشان نه راهکاری داشت، نه حمایت و همکاری می‌کرد و نه اجازه اجرای طرح را به ما می‌داد و حتی با مانع‌تراشی بسیار چندین‌بار کار ما را متوقف کرده و به عقب انداخت.

اما شما طرح را به سرانجام رساندید. چگونه با وجود این مخالفت‌ها توانستید؟

خب، من از طریق مجلس اقدام کردم و سه مجوز برای حفر سه چاه تحقیقاتی گرفتم. حتی کار به جایی رسید که پول کم آوردیم و وزارت نیرو هم به ما پولی نمی‌داد و من مجبور می‌شدم از آقای نوبخت، رئیس سازمان برنامه و بودجه پول بگیرم، با این استدلال که اینها چاه‌های تحقیقاتی است. بالاخره با حمایت و کمک‌های مالی آقای نوبخت اولین چاه ژرف را حفاری کردیم و اتفاقا به آب هم رسیدیم اما با هزینه بسیار، چون چاهی که قرار بود سه تا چهار ماه حفاری شود به دلیل کارشکنی‌های وزارت نیرو چهار سال به طول انجامید.

و بعد هم رفتید سراغ حفر چاه‌های بعدی؟

بله، البته بعد از این‌که چاه اول به آب رسید، وزارت نیرو دیگر نتوانست کارشکنی و مخالفت چندانی کند. بنابراین رفتیم سراغ حفر چاه دوم که در آن هم به آب ژرف رسیدیم و بعد هم چاه سوم را حفاری کردیم.

چاه اول در عمق ۴۰۰۰ متری به آب رسید، در منطقه شهر سوخته و کنارش یک آب‌شیرین‌کن هم جانمایی شد. در واقع حفر اولین چاه ما را به این نتیجه رساند که آب ژرف در منطقه وجود دارد، آن‌هم آبی سالم و جاری و بدون رادیواکتیو. چاه دوم در عمق ۲۰۰۰ متری به آب رسید و اتفاقا خیلی‌ها برای بازدید از آن به منطقه آمدند. درنهایت حفاری چاه سوم شروع شد که البته با وجود تامین اعتبار پیشرفت آن با کندی همراه است.

به‌هرحال ما می‌دانستیم افغان‌ها یک روز بند را می‌بندند و به چنین روزی فکر کرده بودیم و خب، حالا هم می‌بینیم که بند را بسته‌اند و ۵.۶ ماه است که قطره‌ای آب از آن‌سوی مرز به این استان وارد نشده. اگر ما آن زمان به حرف وزیر گوش کرده بودیم، پروژه بزرگ تحقیقاتی آب ژرف که در دنیا بی‌نظیر است کلا لغو شده بود.

ما الان سیستان را به لحاظ وجود آب ژرف در دنیا شناسنامه‌دار کردیم، طوری که اگر تا پیش از این سه چاه ژرف با آب مناسب در دنیا وجود داشت، اکنون یکی هم به نام سیستان مهر خورده است.

خب، حالا قرار است از این چاه‌های ژرف، آبی به مردم سیستان یا استان برسد، یا حفر این چاه‌ها صرفا جنبه تحقیقاتی داشته است؟

ببینید، چاه‌های اول و دوم که بیشتر جنبه تحقیقاتی داشت اما من دارم تلاش می‌کنم مجوز حفر ۱۰ تا ۲۰ چاه دیگر را هم بگیرم، چون بحث انتقال آب از دریای عمان که گزینه پایدارتری برای رساندن آب به کل استان است و پنج سال هم از طرح آن گذشته، به این زودی‌ها جواب نمی‌دهد، پس باید فعلا با همین آب ژرف، تشنگی استان را برطرف کنیم. الان اگر یک دستگاه حفاری سالم (مته مخصوص) داشته باشیم، هر دو الی سه ماه می‌توانیم یک چاه ژرف حفر و از آبش استفاده کنیم، حال آن‌که درحال‌حاضر به دلیل استفاده از دستگاه‌های حفاری فرسوده وزارت نفت، کارمان به کندی پیش می‌رود. حقیقتا در این عرصه هم جای یک سرمایه‌گذار بزرگ و دلسوز خالی است.

دهمرده: بهترین راه رسیدن به منبع آب پایدار در سیستان و بلوچستان حفر چاه آب ژرف به تعداد بالاست ضمن این‌که همزمان باید بحث دریافت حقابه تالاب هامون از افغانستان به طور جدی در دستور کار دولت قرار گیرد و موضوع انتقال آب از دریای عمان هم پیگیری شود

تأمین آب پایدار برای سیستان و بلوچستان دور از دسترس نیست

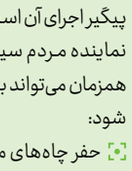

حبیب‌ا... دهمرده حالا نماینده سیستان یعنی مردم زابل و زهک، هامون، هیرمند و نیمروز در مجلس است اما پیش از آن استاندار لرستان و کرمان و پیشتر هم استاندار سیستان و بلوچستان بود و مسؤول رفع مشکلات همه مردم این خطه باستانی و پهناور. در زمان مدیریت او اتفاق‌های خوبی در این استان رقم خورد که خاطره خوش آنها تقریبا در ذهن اغلب مردم باقی مانده است، چراکه پس از دوران مدیریت او اجرای بسیاری از آنها کند یا متوقف شد. دهمرده که استاد دانشگاه هم هست و برای خدمت به مردم زادگاهش قید زندگی در بلاد خارج را زد و به ایران برگشت، از آغاز استانداری‌اش در سیستان و بلوچستان یعنی شهریور۸۴ تا تیر۸۷ طرح‌های مهمی را ارائه کرد و برای اجرای آنها با تلاش و پیگیری بودجه گرفت. از تبدیل دانشگاه سیستان و بلوچستان به چهار دانشگاه در چهار شهرستان بزرگ استان و تجهیز آنها با بهترین امکانات روز دنیا گرفته تا اجرای طرح‌های کلان ساخت بزرگراه و راه آهن و شبکه انتقال گاز و توسعه اسکله شهید بهشتی برای پهلوگیری کشتی‌های بزرگ که تا پیش از دوران مدیریت او تقریبا در هیچ یک از این بخش‌ها سیستان و بلوچستان آمار و حرفی برای گفتن نداشت.

این استاد دانشگاه معتقد است نظام برای سیستان و بلوچستان کم نگذاشته و هرگاه مدیری برای اجرای طرحی بودجه‌ای از نظام درخواست کرده دراختیارش قرار گرفته، نشان به آن نشان که او حتی پس از برکناری از استانداری و در زمان نمایندگی مجلس هم بودجه‌های زیادی برای اجرای طرح آب‌های ژرف در سیستان و بلوچستان گرفت و آنها را به سرانجام رساند.

دهمرده می‌گوید عامل مهم عقب‌ماندگی و عدم توسعه استان نه پول و بودجه و توجه نظام که سوءمدیریت‌های متوالی در سطوح مختلف مدیریتی سیستان و بلوچستان است.

یکی از طرح‌های مهم و کلان دهمرده که از آغاز دوران استانداری پیگیر آن بوده، طرحش را ارائه کرده، برایش جنگیده و بودجه گرفته و همچنان پیگیر اجرای آن است، رفع بحران بی‌آبی سیستان و بلوچستان است.

نماینده مردم سیستان در مجلس می‌گوید اجرای چند راهکار به طور همزمان می‌تواند به نجات استان از مهلکه بی‌آبی و تأمین آب پایدار منجر شود:

- حفر چاه‌های متعدد آب ژرف در خطه سیستان که تحقیقات نشان داده می‌توان روی آب آنها حساب کرد.
- انتقال سریع آب از دریای عمان که اجرای آن هم‌اکنون به کندی پیش می‌رود.
- جلوگیری از تبخیر آب در چاه نیمه‌ها که هم اکنون سالانه ۳۰۰تا۴۰۰میلیون مترمکعب از آب آنها به دلیل در عمق نبودن و روباز بودن تبخیر می‌شود.
- مطالبه جدی حقابه هیرمند از همسایه شرقی کشورمان و البته طلب آب بیشتر از حقابه تصویب شده ۵۰سال پیش که دهمرده می‌گوید طرحش را تدوین کرده و تحویل بالادستی‌ها داده تا رئیس جمهور دولت سیزدهم و وزیر خارجه‌اش آنها را پیگیری کنند، طرح‌هایی که به گفته او مجوز و تأییدیه رهبر معظم انقلاب را هم دارند. نماینده مردم سیستان می‌افزاید، اگر تا امروز هم نتوانسته‌ایم همان سهم ۸۵۰میلیون مترمکعبی حقابه خودرا از هیرمند افغانستان بگیریم به دلیل ضعف دولت قبلی از یک سو و به‌هم ریختگی اوضاع افغانستان از دیگر سو بوده است که امید می‌رود رسیدگی به آن در اولویت کاری دولت آقای رئیسی قرار گیرد.